



Islamic Maaref University

Scientific Journal

PAZHUHESH NAME-E AKHLAQ

Vol. 18, Autumn 2025, No. 69

The Anatomy of Struggle against the Self

Mohammad Hedayati¹

1. Assistant Professor, Department of Islamic Ethics, Islamic Maaref University, Qom, Iran.
m.hedayati1348@gmail.com

Abstract Info	Abstract
Article Type: Research Article	<p>The concept of struggle against the self (jihād al nafs) is a frequently used term in religious ethics, particularly within the framework of mystical ethics influenced by mysticism. Many works on mystical ethics dedicate to separated and extensive chapters about this concept, and it has also become a prominent theme within the corpus of transmitted ethical narrations. The present study aims to introduce the operational components of the struggle against the self as parts of a coherent structure through a descriptive–analytical method. The paper seeks to explain this inner struggle-referred to in some narrations as the greater jihad (al jihād al akbar)-which is considered more significant than the lesser jihad, namely armed struggle against an external enemy and as well to examine its significant components. The research examines key questions such as: What is the objective of this struggle? What outcomes and gains could be achieved? Who is the adversary in this battle? What is the significance and status of such a struggle? Where does the command and strategic planning originate? What tools and weapons are involved? Is this jihad continuous, or does it occur during specific periods? By analyzing these elements, the study reveals the structural relationships among the various aspects of this inner struggle and clarifies its causes, processes, and consequences.</p>
Received: 2025/04/17	
Accepted: 2025/09/13	
Keywords	Struggle against the Self; Greater Jihad; Asceticism; Inclination; Desire; Pleasure; Passion.
Cite this article:	Hedayati, Mohammad (2025). The Anatomy of Struggle against the Self. <i>Pazhuhesh Name-E Akhlaq</i> . 18 (3). 117-136. DOI:
DOI:	
Publisher:	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

تشريح جهاد النفس

محمد هدايتي^١

١. أستاذ مساعد، قسم الأخلاق الإسلامية، جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.

m.hedayati1348@gmail.com

ملخص البحث	معلومات المادة
<p>يُعدّ مفهوم جهاد النفس من المصطلحات المتداولة بكثرة في الأخلاق الدينية، ولا سيما في إطار الأخلاق العرفانية. وقد خصصت معظم المؤلفات في هذا المجال فصلاً مطولة لبحث هذا المفهوم، كما دخل هذا المصطلح في مجال الروايات وأصبح باباً مميزاً في مباحث الأخلاق النقليّة. تهدف هذه الدراسة إلى تعريف مكونات عملية جهاد النفس في صورة بنية متكاملة، وذلك بالمنهج الوصفي - التحليلي. وتسعى إلى بيان طبيعة هذه المجاهدة التي عُرفت في بعض الروايات باسم «الجهاد الأكبر»، والذي عُدّ أعظم شأناً من الجهاد الأصغر في ميدان القتال الخارجي. كما تبحث في عناصر هذه العملية، من حيث الهدف من هذا الصراع، والنتائج التي يمكن تحقيقها، وطبيعة العدو، وأهمية هذا الجهاد ومكانته، والجهة التي تتولى قيادته، والأدوات المستخدمة فيه، وهل هو جهاد دائم أم مؤقت. وتكشف الدراسة في النهاية عن العلاقات بين الجوانب المختلفة لهذه العملية وعن بنيتها الداخلية وآثارها.</p>	<p>نوع المقال: بحث</p> <p>تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/١٠/١٨</p> <p>تاريخ القبول: ١٤٤٧/٠٣/٢٠</p>
<p>جهاد النفس، الجهاد الأكبر، الرياضة الروحية، الميل، الشهوة، اللذة، الهوى.</p>	<p>الألفاظ المفتاحية</p>
<p>هدايتي، محمد (١٤٤٧). تشريح جهاد النفس. مجلة علمية النشرة الاخلاقية. ١٨ (٣). ١٣٦ - ١١٧. DOI: ??</p>	<p>الاقتباس:</p>
<p>??</p>	<p>رمز DOI:</p>
<p>جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.</p>	<p>الناشر:</p>



دانشگاه معارف اسلامی

پژوهش‌نامه اخلاق

نشریه علمی

سال ۱۸، پاییز ۱۴۰۴، شماره ۶۹

آناتومی جهاد با نفس

محمد هدایتی^۱

۱. استادیار، گروه اخلاق اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

m.hedayati1348@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۱۳۶ - ۱۱۷)	جهاد با نفس در اخلاق دینی به پیروی از عرفان و در قالب اخلاق عرفانی واژه پرکاربردی است. در بیشتر نوشته‌هایی که درباره اخلاق عرفانی نگاشته شده باب جدا و درازدانی درباره این عنوان گشوده و پیرامون آن قلم‌فرسایی شده است. چنان‌که این واژه به حوزه روایات وارد گشته و فصل ممتازی را در ابواب اخلاق نقلی به خود اختصاص داده است. این پژوهش به هدف معرفی قطعات عملیات جهاد با نفس در قالب یک پیکر و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. این نوشته تلاش دارد تا مجاهده با نفس - که براساس بعضی روایات با عنوان جهاد اکبر از آن یاد شده و از وزن و ارزشی بالاتر از جهاد اصغر و جنگ در میدان دشمن بیرونی برخوردار گشته است - را تشریح کرده و اجزای مهم این عملیات را مورد بررسی قرار دهد؛ اینکه هدف از این پیکار چیست و به چه نتایج و غنائمی می‌توان رسید؟ دشمن و طرف مبارزه کدام و چنین جنگی از چه اهمیت و جایگاهی برخوردار است؟ فرماندهی و نقشه پیکار از کجا مدیریت می‌شود و ابزار و سلاح آن چیست؟ آیا این جهاد دائمی است یا اینکه زمان موقتی را به خود اختصاص می‌دهد؟ نتیجه آن پرده‌گشایی از روابط میان جنبه‌های مختلف و کالبدشکافی ساختار و ارتباط ساختمانی آنها با یکدیگر است تا به تبع علل، بافتار و پیامدهای این مبارزه روشن‌تر گردد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۸	جهاد با نفس، جهاد اکبر، ریاضت، میل، شهوت، لذت، هوی.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۲	
واژگان کلیدی	
استناد:	هدایتی، محمد (۱۴۰۴). آناتومی جهاد با نفس. پژوهشنامه اخلاق. ۱۸ (۳). ۱۳۶ - ۱۱۷. DOI: ??
کد DOI:	??
ناشر:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

طرح مسئله

واژه آناتومی برگرفته از لغت یونانی «temnein» به معنای بریدن و قطع کردن است و «Anatomy» از دو کلمه «Ana» به معنی برداشتن و «tome» به معنی بریدن تشکیل شده که معادل فارسی آن کلمه کالبدشناسی یا تشریح است. آناتومی علمی است که به شناسایی ساختمان بدن و چگونگی ترکیب شدن سلول‌ها، بافت‌ها، و اندام‌های بدن پرداخته و با نشان دادن جداگانه بخش‌های بدن ربط آنها به اعمال قسمت‌های مختلف آن ساختمان را تبیین می‌کند (پارکر، ۱۳۹۵: ۱۰). امروزه این واژه درباره هر عنوان و اصطلاح بسته‌ای که نیازمند نوعی کالبدشکافی و تشریح باشد به کار گرفته می‌شود، مانند آناتومی جامعه، اخلاق و اقتصاد (رفیع‌پور، ۱۳۹۲: ۶). تشریح جهاد با نفس می‌تواند زمینه‌ای گردد برای اطلاع از برخی برداشت‌های مخاطره‌آمیز و سوءبرداشت‌های ناروا از این مفهوم که در صورت عدم اصلاح، به ویژگی مذموم اخلاقی و رفتاری ناپسند تبدیل می‌گردد. برداشت‌های کج و عقل‌گریز و بلکه عقل‌ستیزی که از میزان مطابقت با منابع اصیل اسلامی انحراف دارد.^۱ تاکنون درباره معنای جهاد با نفس کاری تفصیلی و مستقل دیده نشده است. همه آنچه به‌عنوان «جهاد و مبارزه با نفس» یا «مجاهدة النفس» یا «جهاد النفس» نوشته شده است چیزی جز اخلاق و تهذیب و تزکیه و تربیت نیست و معمولاً از تبیین معنایی عنوان جهاد النفس تهی است.^۲

واژه جهاد از نظر لغوی، بر وزن فعال از ریشه سه حرفی «ج ه د» به معنای کوشیدن است (الفراهیدی، ۱۴۰۴: ۱ / ۳۲۵؛ الجوهری، ۱۴۳۰: ۱ / ۲۸۱؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۱۹۶). و صورت دیگری از مصدر مجاهده از باب مفاعله بوده که نشان از یک رابطه دوطرفه دارد. در کاربرد اصطلاحی افزون بر معنای کوشش، به سبب باب مفاعله دربردارنده معنای رویارویی با طرف مقابل نیز می‌باشد (موسوی

۱. تأملت جهاد النفس فرآیند عظیم جهاد، و رأیت خلقاً من العلماء و الزهاد لا يفهمون معناه، لأن فهم من منعها حظوظها علي الاطلاق، و ذلك غلط من وجهين، أحدهما: أنه رب مانع لها شهوة، أعطاهما بالمتع أوفي منها، مثل أن يمنعها مباحا فيشتهر بمنعه إياها ذلك فيرضي النفس بالمنع لأنها قد استبدلت به المدح، و أخفي من ذلك أن يري (بمنعه إياها ما منع) أنه قد فضل سواه ممن لم يمنعها ذلك، و هذه دفتان تحتاج الي مناقش فهم يخلصها. و الوجه الثاني: أننا قد كلفنا حفظها و من أسباب حفظها ميلها الي الأشياء التي تقيمها، فلا بد من اعطائها ما يقيمها، و أكثر ذلك أو كله ما تشتهيه، و نحن كالوكلاء في حفظها، لأنها ليست لنا بل هي وديعة عندنا، فمنعها حقوقها علي الاطلاق خطر (ابن‌الجوزي، ۱۴۱۲: ۸۳).

۲. دراین باره بنگرید: ۱. الهاشمی، قاسم (۱۳۸۴). *جهاد النفس فی مراحلہ الخمس*. قم: دلیل ما [بدون موضوع‌شناسی حتی به اندازه یک سطر!]; ۲. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۷). *جهاد اکبر یا مبارزه با نفس*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع); ۳. حر عاملی، محمد (۱۳۸۸). *جهاد با نفس*. ترجمه حمید صالح ابوالقاسمی. قم: عصر رهایی; ۴. مظاهری، حسین (۱۳۶۹). *جهاد با نفس (سلسله درس‌های اخلاق)*. قم: انجمن اسلامی معلمان قم; ۵. امینی، ابراهیم (۱۳۹۴). *جهاد با نفس مهم‌ترین جهاد فراموش شده*. قم: بوستان کتاب [شامل دو سطر بی‌استناد درباره معنای لغوی جهاد و سپس اهمیت جهاد نفس و بعد به تفصیل وارد بحث خودسازی می‌شود]; ۶. الحیدری، کمال (۱۴۲۶). *التربية الروحية (بحوث فی جهاد النفس)*. قم: دار فراق.

بجنوردی، ۱۳۸۳: ۱۹ / ۱۷). در ادبیات حدیثی جهاد با نفس به‌عنوان جهاد اکبر و بزرگ‌تر از جهاد بیرونی مورد توجه قرار گرفته است.^۱ امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

پس جهاد نفس که جهاد بزرگ است، و از کشته شدن در راه حق تعالی بالاتر است، در این مقام عبارت است از غلبه کردن انسان بر قوای ظاهره خود، و آنها را تحت فرمان خالق قرار دادن، و مملکت را از لوٹ وجود قوای شیطان و جنود آن خالی نمودن است (خمینی، ۱۳۷۵: ۶).

هدف‌شناسی

هر عملی با هدف‌گذاری معنا پیدا می‌کند. تشخیص هدف، عمل و اندیشه را با هم ترکیب کرده و فعالیت آدمی را به یک کار واقعی و هوشمندانه تبدیل می‌کند؛ عمل او را چهارچوب و نظم بخشیده و جهت‌گیری و رشد می‌دهد؛ دامنه اشتباه را کم و تلاش و پشتکار را افزایش و یأس و ناامیدی و احساس شکست را برمی‌دارد. هدف اگر به درستی شناسایی شود و از شفافیت لازم برخوردار باشد همانند یک قطب‌نما به آدمی کمک می‌کند تا مسیر مناسب و درست را پیدا کند. پس از هدف‌گذاری، وقتی متوجه عملکرد خود می‌شویم و اندازه پیشرفت خود را در رسیدن به آن هدف بررسی می‌کنیم، می‌یابیم که چه مقدار در مسیر درست قرار گرفته و چه اندازه به اصلاح روش خود نیازمندیم. هر مقدار که به هدف نزدیک‌تر شده، احساس رضایت کرده و توان بیشتری برای ادامه پیدا می‌کنیم. تشخیص هدف اصلی از اهداف میانه و ابتدایی نیز مهم است. هر مقدار که بتوان هدف کاری را تنگ کرد و مباشرترین هدف را نمایان ساخت، انعکاس مسیر اصلی آن عمل درخشان‌تر خواهد بود. هدف‌ها وقتی به اهداف کوچک‌تری تقسیم شوند، به برنامه تبدیل می‌گردند و آمادگی و فرصت‌ها را فراهم و اولویت بندی‌ها را مرتب و مدیریت می‌کنند. حال هدف از جنگیدن با نفس چیست؟ برای چه باید با نفس درگیر شد و با آن مبارزه کرد؟ در میان متون دینی و اخلاقی و عرفانی می‌توان موارد زیر را جزو اهداف این قتال دانست:

۱. **میراندن:** آن هدفی که در ابتدا با واژه جنگ تناسب دارد همان کشتن و میراندن است. در روایات متعدد و نیز کلمات اندیشمندان حوزه اخلاق و عرفان از این هدف یاد شده است.^۲ از روایات استفاده می‌شود

۱. علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن النوفلي، عن السكوني، عن أبي عبد الله عليه السلام أن النبي صلي الله عليه وآله بعث بسرية فلما رجعوا قال: مرحبا بقوم قضاوا الجهاد الأصغر وبقي الجهاد الأكبر، قيل: يا رسول الله وما الجهاد الأكبر؟ قال: جهاد النفس (الكيني، ۱۳۶۵: ۵ / ۱۲۱).

۲. مانند: «أحي قلبك بالموعظة وأمته بالزهادة»؛ «قد أحيي قلبه وأمات نفسه» (الشريف الرضى، ۱۳۷۹: ۳ / ۳۸)؛ «قد أحيي عقله و أمات نفسه»؛ «ان الحازم من قيد نفسه بالمحاسبة و ملكها بالمغاضبة و قتلها بالمجاهدة» (الأمدي التميمي، ۱۳۸۶: ۲ / ۲۰۴ و ۴۹۶).

که مبارزه با نفس در واقع مبارزه با هواها و خواسته‌های آن است و نتیجه‌اش به دست آوردن مهار آن و مالک شدن صلاح آن و تسلط بر نفس و به فرمان آوردن آن و آزاد کردنش از قید خواهش‌های حیوانی و معالجه و درمان نفس از رذایل است. مقصود از این اصطلاح، قطعاً محو قوای غضبی و شهوی نیست و دین هرگز چنین توصیه‌ای به سالکان ندارد. انسان باید با همین قوا و غرایز و عواطفی که خداوند به او بخشیده است، او را بشناسد و همواره با تزکیه و تعدیل آنها در مسیر کمال پیش رود. چگونه به این امر باطل سفارش شود در حالی که پیشوایان دین، در مواضع مناسب خود به شهوت و غضب اقدام می‌کردند؟ روایات ما در باب غضب کردن رسول خدا ﷺ و ائمه هدی علیهم‌السلام نشان می‌دهد که آنان هرگز تهی از خشم نبوده‌اند. و نیز توصیه آنان به نکاح و ازدواج و محبت همسران در همین راستا انجام شده است. این قوا از ارکان انسانیت انسان به حساب می‌آید و از میان برداشتن و ریشه کن کردن آنها هرگز مطلوب نیست (هدایتی، ۱۳۸۶: ۱۵۵).

۲. اصلاح و پاکسازی: به سامان کردن نفس و پاکیزه و بی‌عیب نمودن آن جزو اهداف یا نتایج جهاد با نفس شمرده شده است.^۱ هوی و هوس‌ها و صفات پلید و ویژگی‌های پست اخلاقی انسان را از درون به بند می‌کشند و انسانی هم که از درون به بند کشیده شود، هم از درک امور و واقعیات محروم خواهد شد و هم از طی مسیر به سوی کمال بازخواهد ماند. در مقام خلیفه اللهی چاره‌ای جز طهارت نفس نیست؛ چون خلافت و جانشینی، اقتدا به صفات الهی در حد توان و به قدر طاقت بشری است. نماینده خدا بودن بدون پاکی درون مسیر نمی‌شود. نهانگاه انسان تا صیقلی نشود، قابل تجلیات حق نمی‌گردد و تا نفس چون آینه‌ای زنگارش زدوده نگردد، به سوی خداوند راهنمایی نمی‌کند.

۳. تملک نفس: مبارزه با نفس در واقع مبارزه با هواها و خواسته‌های آن است. برای به دست آوردن مهار آن و مالک شدن صلاح آن و تسلط بر نفس و به فرمان آوردن آن و آزاد کردنش از قید خواهش‌های حیوانی و معالجه و درمان نفس از رذایل. از روایات استفاده می‌شود یکی از اغراض جهاد با نفس، توانایی بر نفس و امکان کنترل آن در سختی‌ها و راحتی‌ها است.^۲

۴. حکومت قوه عاقله: نفس در اثر مجاهده به فرمان عقل درمی‌آید و قوای آن مانند شهوت و غضب

«نفس خود را کنش، جهان را زنده کن، خواجه کشته است، او را بنده کن» (مولوی، ۱۳۶۰: ۴۱۱)؛ (مسکویه، ۱۳۷۱: ۳۰۴ و بهاری همدانی، ۱۳۷۶: ۵۵).

۱. «بالمجاهدة صلاح النفس»: «في مجاهدة النفس كمال الصلاح»؛ «من أجهد نفسه في اصلاحها سعد» (الآمدی التمیمی، ۱۳۸۶: ۲ / ۵۰۷، ۵۰۹ و ۴۹۰).

۲. «ان الحازم من شغل نفسه بمجاهد نفسه فاصلحها و حبسها عن اهويتها و لذاتها فملكها»؛ «املكوا انفسكم بدوام جهادها» (الآمدی التمیمی، ۱۳۸۶: ۲ / ۴۰۶ و ۵۰۵)؛ عن الإمام الصادق عليه السلام: «من ملك نفسه إذا رغب، و إذا رهب، و إذا اشتهي و إذا غضب، و إذا رضي حرم الله جسده علي النار» (الصدوق، ۱۴۱۰: ۴ / ۴۰۰).

با نیروی عاقله مدیریت می‌شوند.^۱ افلاطون پس از معرفی دانش، خشم، و میل و شهوت به‌عنوان سه جزء روح، بر این باور است که لذیذترین زندگی‌ها، زندگی کسی است که در وجودش زمام فرمانروایی به دست این جزء روح (دانش و تفکر) است (افلاطون، ۱۳۸۰: ۲ / ۱۱۴۷ و ۱۱۵۱). ارسطو نیز وظیفه خاص آدمی را فعالیت نفس در حال توافق با عقل یا عدم مخالف با آن می‌داند و به جنگیدن دو جزء دیگر با جزء خردمند نفس اشاره کرده، به ماهیت سازگاری با عقل در تعریف فضیلت می‌پردازد (ارسطو، ۱۳۸۶: ۳۱).

۵. اطاعت الهی: برابری به فرمانبرداری از خداوند می‌تواند از اهداف جهاد با نفس باشد.^۲ انسان تا وقتی خود را می‌خواهد و توجه به خویش دارد، کارهایش نفسانی است و خداخواه نیست؛ ولی اگر شهوت نفس را کنار گذاشت و از محوریت خویش بیرون رفت کارهای او خدایی و اعمالش بوی خدا می‌دهد.

۶. رضایت الهی: جهاد با نفس نیز به هدف کسب خشنودی خداوند می‌انجامد.^۳ در کتاب منسوب به حضرت امام صادق علیه السلام هم از رضایت الهی به‌عنوان پیروزی در این مبارزه یاد شده است.^۴

دشمن‌شناسی

در هر مبارزه‌ای به خوبی باید دشمن را شناخت و از روش‌های دشمنی‌اش آگاه شد. در برابر حرکت‌ها و نقشه‌های او حساس بود و شیوه‌ها و سمت و سوی عداوتش را دانست. غفلت از دشمن‌شناسی، دفع او و غلبه بر توطئه‌هایش را ناممکن می‌سازد و گاه دشمن را به جای دوست می‌نمایاند. علاوه بر شناخت دشمن، باید او را دشمن دانست و به جای دوستی و مودت، با او دشمنی کرد؛ دشمن اصلی و واسطه‌های فرعی او را یافت و از تاکتیک‌هایش باخبر شد. براساس منابع دینی و اخلاقی در مبارزه با نفس با دشمنی این امور روبه‌رو می‌شویم:

۱. نفس: در متون روایی و اخلاقی رسماً از نفس به «دشمن» و «عدو» تعبیر شده و به جهاد و مبارزه با آن همچون مبارزه یک دشمن با دشمن دیگر دعوت شده است. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که دشمن‌ترین دشمنان همان نفس توست که میان دو پهلویت قرار دارد (ابن‌فهد الحلّی، بی‌تا: ۲۹۵). لکن

۱. من لم یهدب نفسه لم ینتفع بالعقل (الآمدی التیمی، ۱۳۸۶: ۲ / ۵۱۰).

۲. جاهد نَفْسَكَ وَ قَدِّمْ تَوْبَتَكَ تَفْرُ بِطَاعَةِ رَبِّكَ (الآمدی التیمی، ۱۳۸۶: ۲ / ۵۱۴).

۳. انک ان جاهدت نفسک حزت رضی الله (الآمدی التیمی، ۱۳۸۶: ۲ / ۵۰۷). و نیز: «الجلسة فی المسجد خیر لی من الجلسة فی الجنة فإن الجنة فیها رضا نفسی والجامع فیها رضا ربی» (الدیلمی، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۱۸).

۴. طوبی لمن جاهد فی الله نفسه و هواه و من هزم جند هواه ظفر یرضی الله تعالی و من جاوز عقله نفسه الامارة بالسوء بالجهد و الاستکانة و الخشوع علی بساط خدمة الله فقد فاز فوزا عظیما (المنسوب للإمام الصادق علیه السلام، ۱۳۶۰: ۱۶۹).

آیات قرآنی از چنین تعبیری تهی است. در قرآن کریم از شیطان به عنوان عدو یاد شده است (بقره / ۱۶۸ و ۲۰۸؛ اسراء / ۵۳؛ یس / ۶۰؛ زخرف / ۶۲).

کلمه «نفس» در ادبیات عرب بیشتر به معنای «خود» آدمی به کار رفته است، و در قرآن کریم لفظ «نفس» به این معنا استعمال شده است (بقره / ۲۰۷). حتی خداوند متعال در مورد خودش نیز این واژه را به کار برده است (آل عمران / ۳۰ و انعام / ۱۲). در برخی آیات، برای نفس اوصاف و مراتبی ذکر شده است.^۱ از این آیات استفاده می‌شود که نفس در حقیقت خود آدمی است که مراتب و لایه‌های مختلف دارد. در مرتبه‌ای به حالت اطمینان و قرار و سکون می‌رسد. آن مرتبه‌ای است بسیار گران‌بها و ارجمند که در آن دیگر اضطراب‌های ناشی از وسوسه و شک و شهوت و خشم و حسرت و غم و شادی فرومی‌نشیند. در مرتبه‌ای دیگر نفس، وجدان ملامتگری است که صاحب خود را بر ارتکاب هر بدی سرزنش و ملامت می‌کند. و در مرحله‌ای هم پر از تشویش و اضطراب و امرکننده به بدی‌هاست. این اختلاف از آن جهت است که آدمی در آفرینش خود ترکیبی دوگانه دارد، ترکیبی بین حیوانیت و فرشته‌خویی (شمس / ۸).

۲. هوی: هوی در اصل لغت به معنای میل به پایین است (الفراهیدی، ۱۴۰۴: ۴ / ۱۰۵؛ ابن‌الآتیر، ۱۳۶۴: ۵ / ۲۸۴؛ الجوهری، ۱۴۳۰: ۶ / ۲۵۳۸)، که از مصادیق آن میل نفس به شهوات و امور مادی است، چراکه این میل غالباً با خواسته‌های مذموم و هوس‌رانی و شهوات باطله همراه است و اگر مهار عقل و شرع نباشد، آدمی را به ورطه سقوط و دره شقاوت می‌کشاند. پس هوای نفس را نمی‌توان به‌طور مطلق مذموم دانست. معیار مذمت آن، تبعیت از خواسته و میلی است که در جهت سقوط از راه حق و عقل به سوی بدی و پلیدی باشد. و اگر به‌طور مطلق از پیروی هوی مذمت می‌شود، به جهت آن است که غالباً هواها و شهوات نفسانی مخالف روش عقل و سد راه حق و مانع از طریق‌خدایی می‌شوند و عادتاً با فساد و بدی و شرّ و پلیدی همراه‌اند.^۲

۳. میل، شهوت و لذت: درباره تفاوت این سه کلمه با هم و نیز با واژه «هوی» فروقی بیان شده است (الجزائری، ۱۳۶۷: ۴۳؛ الماوردی، ۱۴۰۴: ۳۹). در اینجا می‌توان گفت که اگر هر یک از میل یا شهوت و یا لذت وسیله سقوط آدمی قرار گیرد به هوی تبدیل می‌گردد. بنابراین هر کدام از آنها به خودی خود بد نیست و آدمی را از رشد و کمال باز نمی‌دارد، بلکه حتی وسیله‌ای است که می‌تواند با تولید

۱. «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ» (فجر / ۲۸ - ۲۷)؛ «وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ» (قیامت / ۲)؛ «مَا أُرِيُّ نَفْسِي إِلَّا النَّفْسَ لَأَمَّارَةً بِالسُّوءِ» (یوسف / ۵۳).

۲. «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (ص / ۲۶) و نیز: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات / ۴۱ - ۴۰)؛ «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ» (قصص / ۵۰).

نیروهای بدنی و روحی، او را توانمند و بانشاط کرده و در ادامه طریق سعادت راهگشا باشد. دوری‌گزینی از میل‌ها و مبارزه با لذت و بی‌علاقگی به شهوت به صرف خود مطلوب اخلاقی نیست. آنچه منطبق با آموزه‌های ناب دینی و اصول اخلاقی است همانا قرار دادن این امور در جایگاه درست خود و کنترل و مهار نفس و اجتناب از غفلت و دنیازدگی و تن‌پروری و آزادی از اسارت طبیعت است (هدایتی، ۱۳۹۷: ۱۵).

۴. خودخواهی و حب نفس و انانیت: اولین تجلی خودخواهی در درون انسان به صورت «من» درک می‌شود؛ یعنی ملاحظه نفع شخصی و برتر قرار دادن امیال و علاقه‌های خود بر دیگران و تنها به انگیزش‌های خود برانگیخته شدن؛ حالتی که هر کس و هر چیزی را فقط برای خود می‌خواهد. این بیماری اگر شدت پیدا کند به خودپرستی کشانده می‌شود و دیگر گوش از شنیدن حقایق ناتوان و دیدگان نابینا و دل از توجه درستی غافل می‌شود (جائیة / ۲۳). به نظر امام خمینی قدس سره تمام فسادهایی که در عالم پیدا می‌شود از سر خودخواهی است؛ و نخستین مرحله از سفر معنوی قدم نهادن بر انانیت و ترک بت خودخواهی است که از همه بتان بزرگ‌تر و شکستن آن از همه مشکل‌تر است (خمینی، ۱۳۷۵: ۳۳۳؛ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱: ۱۳ / ۱۹ و ۱۹ / ۲۵۰).

اهمیت

هر عمل مهمی با شناخت اهمیتش استوارتر انجام می‌گیرد و عامل را در فراز و فرود کار مستحکم و امیدوار باقی می‌دارد. شناخت اهمیت سرمایه‌ای است که آدمی را اهل صبر و تحمل می‌کند و از اینکه از نیمه راه بازگردد و سست شود و به وسوسه امور مهم دیگر از راه به در گردد جلوگیری می‌کند. درک اهمیت کار، اتکائی است که در طول مسیر ملامت دیگران را دفع می‌کند.^۱ در متون دینی و عرفانی درباره جایگاه مهم جهاد با نفس این موارد قابل ملاحظه است:

۱. وجوب انجام: در بعضی روایات برای جهاد با نفس همانند جهاد بیرونی حکم وجوب آمده است.^۲ مرحوم شیخ حر عاملی نیز در عنوان جهاد النفس کتاب خود، فتوای به وجوب جهاد نفس می‌دهد (الحر العاملی، ۱۴۰۹: ۱۵ / ۱۶۰).

۲. والاتر از جهاد با دشمن بیرونی: مجاهدت با نفس از اهمّ ارکان تهذیب و خودسازی است و براساس برخی روایات جهاد با نفس در سنجش با جهاد بیرونی و شهادت در آن بسی باارزش‌تر و مهم‌تر

۱. وجاهد فی الله حق جهاده ولا تأخذک فی الله لومة لائم (الحرانی، ۱۴۲۳: ۶۹).

۲. عن الامام کاظم علیه السلام: «وجاهد نفسك لتردها عن هواها، فإنه وجب عليك كجهاد عدوك. قال هشام: قلت له فأی الأعداء أوجبهم مجاهدة؟ قال علیه السلام: أقربهم إليك وأعداهم لك وأضرهم بك وأعظمهم لك عداوة وأخفاهم لك شخصا مع دنوه منك» (الحرانی، ۱۴۲۳: ۳۳۹).

شمرده شده است.^۱ مولوی در مثنوی حکایت عارفی را می‌آورد که با وجود شرکت در هفتاد جنگ، سال‌ها مشغول جهاد با نفس گردید. یک بار که به امید شهادت در جهاد بیرونی عازم جنگ شد از درونش ندایی شنید که من به این دلیل تو را به سوی جهاد و شهادت برمی‌انگیزم که تو در این خلوت روزی صد بار مرا می‌کشی و در برابر خواهش‌های من مقاومت می‌ورزی و مرا خفه می‌کنی؛ اما در صحنه آن جنگ و جهاد بیرونی یک بار کشته می‌شوی و رهایی می‌یابی (مولوی، ۱۳۶۰: ۷۹۱ و ۷۲).

۳. بهای بهشت: از جهاد با نفس و مبارزه با هوی و هوس در روایات به‌عنوان کابین بهشت و بهای آن و مجوز ورود به جنت یاد شده است.^۲ گویا غیر از مبارزه با نفس، بهایی برای بهشت وجود ندارد و جز با آن نمی‌توان به کسب جنت رسید.

۴. تنها راه رسیدن به سعادت و کمال: هر چیز گران‌بها و پراهمیت که مورد طمع دیگران و آفت آسیب‌زندگان قرار دارد با تلاش و زحمت و گاه درگیری به دست می‌یابد و در ادامه حفظ و حمایت می‌شود. مطابق آموزه‌های دینی تنها با مبارزه با نفس می‌توان به اهداف ستودنی و کامل دست یافت.^۳ سنت خداوند چنین مقرر شده که جز با ورزیده شدن نفس و صفا یافتن و پاکیزه شدن آن، فتح ابواب رحمانی و دستگیری و لطف خاص خداوند محقق نمی‌شود. حضرت موسی علیه السلام در مدت وعده چهل شب خداوند، شب‌ها به عبادت می‌ایستاد و روزهایش را روزه می‌گرفت و جان خود را به سختی وامی‌داشت تا اینکه به مقام کلیم الهی و سخن گفتن خداوند با او و گرفتن احکام تورات رسید (اعراف / ۱۴۲؛ الطوسی، بی‌تا: ۴ / ۵۳۱).

۵. خسارت بزرگ ترک آن: کسی که نفس خویش را به خود وانهد، ارمغانی جز خیانت و تباهی سرمایه از او نخواهد دید. باروری لحظه‌های عمر، برای رسیدن به سعادت جاودانه، جز با مواظبت نفس ممکن نیست. وقتی دهنه نفس در برخورداری از انواع خواهش‌ها باز و آزاد باشد، حالت مستی ناشی از آن همچون سمی کشنده به سراسر حیات معنوی انسان سرایت کرده و به تدریج کنترل و مواظبت را از دست می‌گیرد و او را به ورطه سقوط در لذات حیوانی و مستی شهوات حرام می‌کشاند. برخی روایات رها کردن نفس را آسیبی بزرگ و ناتوانی‌ساز و اساس هر بدبختی معرفی کرده است.^۴

۱. «افضل الجهاد مجاهدة المرء نفسه»؛ «افضل الجهاد جهاد النفس عن الهوي و فطامها عن لذات الدنيا»؛ «خير الجهاد جهاد النفس»؛ «ما من جهاد افضل من جهاد النفس»؛ «لا جهاد كجهاد النفس» (الآمدی التمیمی، ۱۳۸۶: ۲ / ۵۱۰ - ۵۰۶).

۲. «ألا و ان الجهاد ثمن الجنة فمن جاهد نفسه ملكها و هي اكرم ثواب الله لمن عرفها»؛ «جهاد النفس مهر الجنة»؛ «لن يجوز الجنة الا من جاهد نفسه» (الآمدی التمیمی، ۱۳۸۶: ۲ / ۵۰۹ - ۵۰۵).

۳. «ذروة الغايات لا ينالها الا ذوا التهذيب و المجاهدات»؛ «من لم يجاهد نفسه لم ينل الفوز» (الآمدی التمیمی، ۱۳۸۶: ۲ / ۵۰۹)؛ «جميع الاخلاق المحمودة شرعا يحصل بهذا الطريق» (الفيض الكاشاني، ۱۴۲۷: ۵۸).

۴. «إن طاعة النفس و متابعة أهويتها أس كل محنة و رأس كل غواية» (الليثي الواسطي، ۱۳۷۶: ۱۵۱)؛ «لاتترك الاجتهاد في إصلاح نفسك فانه لايعنيك إلا الجدد» (الآمدی التمیمی، ۱۳۸۶: ۶ / ۳۱۵).

آثار و نتایج^۱

هر فعالیتی با داشتن خروجی و دستیابی به نتایج، انگیزه‌ها را مدیریت و اقدام‌های رهاشده را تمام می‌کند. امنیت روانی و انرژی مثبتی را فراهم می‌آورد و بی‌انگیزگی و فرسودگی را ترمیم می‌نماید. فهم نتایج به آدمی حس معنادار و هدفمندی را می‌بخشد و جلوه ترس را می‌شکند و هنگام رویارویی با چالش‌های موجود، نقشه‌ها و راه کارهای امیدوارکننده‌ای را تأمین می‌کند. حال ستیز و جنگ با خود از چه نتیجه و توجیهی برخوردار است تا به آن تن داده شود و مورد پذیرش قرار گیرد. مبارز در این درگیری که طبیعتی سخت و جانکاه دارد به چه غنائمی می‌رسد و امید به چه نتایجی او را در این کار طاقت‌فرسا، مشقت‌پذیر می‌کند؟ بی‌تردید وعده‌های شیرین و اینکه مجاهدان در راه خوش‌عاقبتی پا نهاده و در این طریق هیچ کس ناکام نمی‌ماند، به آنان قوت قلب می‌دهد.^۲ نتایج زیر را می‌توان از متون دینی و آموزه‌های اخلاقی استخراج کرد:

۱. قوت و قدرت یافتن: مجاهد در این راه در اثر چیرگی بر نفس و سلطنت بر آن، از نیرو و قدرت فراوانی برخوردار می‌شود که با آن توان می‌تواند کارهای دشواری را به سامان برساند. عادت‌های بد را رها و فضیلت‌های نیکو را جایگزین سازد.^۳

۲. آزادی نفس: انسان تا پی خواسته‌های نازل نفس است در بند آن خواهد بود، و اسیر نمی‌تواند مزه آزادی را بچشد. چموشی هوی و هوس وی را سرگردان و بی‌اراده می‌کند و به تدریج از او موجودی بی‌ارزش و بی‌خاصیت می‌سازد؛ ولی همین که به مبارزه با میل‌های ویرانگر پرداخت و توان کنترل خود را بازیافت از بندهای نفس رها و حتی امیر بر آن می‌گردد.^۴

۳. بی‌نیازی: براساس بعضی روایات همین که آدمی در مسیر مبارزه با نفس، خواست خدا را بر میل خود مقدم دارد، خداوند هم او را به روزی فراوان و حفاظت‌شده‌ای می‌رساند و ناخواسته نعمت‌های دنیا را بر او سرازیر می‌سازد (الکینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۲۳۵).

۱. در تفاوت نتیجه با هدف که پیش‌تر بیان شد: هدف چیزی است که از ابتدا تعیین می‌شود و کار مستقیماً به خاطر آن انجام می‌شود، ولی غایت و نتیجه با پیگیری هدف به دست می‌آید و کشف می‌شود.

۲. «وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (عنکبوت / ۶)؛ «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت / ۶۹).

۳. «قوي الناس من قوي علي نفسه»؛ «قوي الناس اعظمهم سلطانا علي نفسه»؛ «من قوي علي نفسه تناهي في القوة»؛ «قدرتك علي نفسك افضل القدرة و امرتك عليها خير الامرة»؛ «خير الامراء من كان علي نفسه اميراً»؛ «ثمره المجاهدة قهر النفس»؛ «كفاك في مجاهدة نفسك ان لا تزال ابدا لها مغالبا و علي أهويتها محاربا» (الأمدي التميمي، ۱۳۸۶: ۲ / ۵۰۹ - ۴۸۸)؛ عن رسول الله ﷺ: «بالمجاهدة يغلب سوء العادة» (ابن‌ابی فراس، ۱۳۶۸: ۴۳۸).

۴. اگر کم نفسک عن کل دنیة وإن ساقنتک إلي الرغائب فإنک لن تعترض بما تبدل من نفسک عوضا، ولا تکن عبد غیرک وقد جعلک الله حرا (الشریف الرضی، ۱۳۷۹: ۳ / ۵۱).

۴. **رشد و بصیرت:** دامن زدن به شهوت رابطه متعکسی با رشد عقلی دارد؛ به طوری که هر قدر نفس از لذت‌های نابجا محروم گردد کمال عقلانی فزون‌تری می‌یابد.^۱ نفس زمانی امکان رهیابی به معارف الهی و حقایق ربانی را می‌یابد که گوهرش پاک و ذاتش صاف باشد و کارهای زشت و اخلاق پست بر آن زنگار نشانده باشد. در غیر این صورت طبیعت نفس از کسب بصیرت و کشف حقایق روگردان می‌شود و به جز صورت‌های پوچ و موهوم، واقعیاتی در آن دیده نمی‌شود. در کنار عقل و اندیشه و علوم اکتسابی، دل و قلب نیز محل افاضه علوم خاصی است که از طرف خداوند متعال می‌رسد. این نوع علم و شهوت تنها با عبودیت و از راه پاکسازی و تهذیب درون به دست می‌آید.^۲

۵. **تقوا و عصمت:** تقوا یک نیروی درونی کنترل و خودنگهداری نفسانی است که انسان را در برابر خواسته‌ها و تمایلات غیرمشروع، صیانت کرده و او را مقاوم و پایدار و ثابت‌قدم می‌سازد. مبارزه با نفس این روحیه پرهیزگاری را افزایش و آدمی را از بدی‌ها در امان نگه می‌دارد.^۳

سلاح

انتخاب درست ابزار مقابله در هر جهادی یکی از اساسی‌ترین مرحله‌های مدیریت جنگ است. هرگونه جابه‌جایی در استفاده وسایل پیکار و بی‌تدبیری در کاربرد سلاح مناسب، گاه به مغلوب شدن آدمی و شکست در میدان مبارزه و هلاکت وی می‌انجامد. در جهاد با نفس نیز می‌بایست گزینش سلاح شایسته این مبارزه، عالمانه، معقول و منطبق بر آموزه‌های ناب اسلامی باشد. بنابراین پذیرش سفارش‌های پاره‌ای از صوفیان که به جای شکستن بیگانه، خود را می‌شکنند و با تحقیر شخصیت و کوبیدن حیثیت اجتماعی، عزت و کرامت آدمی را خرد می‌کنند روا نیست (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۳ / ۲۳۴). غزالی نیز هشدار می‌دهد که در این میدان هر سلاحی را نمی‌توان برداشت و بی‌مه‌ابا بر سر نفس کوبید؛ بلکه باید از سر تخصص و آگاهی کامل اثر درستی آن را بررسی کرد و سپس از آن بهره برد (الغزالی، بی‌تا: ۳ / ۱۰۴). در متون دینی برخی از آلات مبارزه با نفس را می‌توان در این امور ملاحظه نمود:

۱. **سختی‌کشی و ریاضت:** براساس برخی روایات تحمل سختی و صبوری ورزیدن بر مکروهات

۱. عن أمير المؤمنين عليه السلام: «من لم يعط نفسه شهوتها اصاب رشده» (الصدوق، ۱۴۱۰: ۴ / ۲۷۹)؛ «جاهدوا أنفسكم علي شهواتكم تحل قلوبكم الحكمة ... جاهدوا أنفسكم بقلة الطعام والشراب تظلمك الملائكة و يفر عنكم الشيطان» (ابن‌ابی‌فراس، ۱۳۶۸: ۴۴۱).

۲. يا بني اسرائيل لاتقولوا العلم في السماء، كل من يصعداليه يأتي به، و لا في تخوم الارض، كل من ينزل اليه يأتي به و لا من وراء البحار كل من يعبره يأتي به. العلم محبوب في قلوبكم، مركز في نفوسكم، تأدبوا بين يدي الله بآداب الروحانيين و تخلقوا بأخلاق الصديقين يظهر لكم (الأملي، بی‌تا: ۴۹۴).

۳. «ان مجاهدة النفس لتزمتها عن المعاصي و تعصمتها عن الردي» «من جاهد نفسه اكمل التقي» (الأمدي التميمي، ۱۳۸۶: ۲ / ۵۰۶ و ۵۰۹).

همتای جهاد کردن و از ابزار آن شمرده شده است. محرومیت‌کشی و انس با سختی و به استقبال ناملایمات رفتن و مکاره را برگزیدن نفس را صفا و جان را جلا می‌بخشد.^۱ از بعضی عبارات استفاده می‌شود که مجاهد با نفس نه تنها باید هر فرح و خوشی را رها کند و تا پایان عمر در عزلت و تنهایی به سر برد، بلکه تا می‌تواند بر خلاف میلش عمل کند، که این خود بذاته مطلوب بوده و جزو برترین اعمال است (الغزالی، بی‌تا: ۸ / ۱۱۹ و ۱۲۴). حتی در بعضی روایات آمده است که پیامبر اکرم ﷺ اگر میان دو کار مردد می‌شدند آن که از دیگری سخت‌تر بود را برمی‌گزیدند (الکینی، ۱۳۶۵: ۸ / ۱۳۰). هرچند در برخی دیگر از احادیث به عکس آن نقل شده و انتخاب آسان‌تر را به آن حضرت نسبت داده است (البهیقی، ۱۴۰۵: ۱ / ۳۱۲).

به نظر می‌رسد به جای آموزه سخت‌گیری بر نفس و محرومیت‌کشی و زهد به معنای پرهیز از لذت و تمتعات دنیایی و روی‌گردانی از نعمت‌های آن، می‌توان از مدیریت بهره‌مندی از نعمت‌ها و انضباط در مصرف به سبب تقوا و کنترل نفس از سر مبارزه با غفلت‌ورزی و سرگرمی به دنیا و فراموشی آخرت، به‌عنوان پیام اصیل دین بهره جست. بله، دفع شهوات و خواسته‌های حرام و حیوانی نفس، بدون کنترل و جلوگیری از برخی مباحات و موارد شبهه نتیجه‌بخش نیست. اگر تنها به موارد ضروری دفع شهوت و پرهیز از خواسته‌های غیرمجاز بسنده شود، و دهنه نفس در برخورداری از انواع خواهش‌ها و تنعم به انواع لذت‌های مباح باز و آزاد باشد، حالتی از مستی ایجاد می‌کند که همچون سمی کشنده به سراسر حیات معنوی انسان سرایت کرده و به تدریج کنترل و مواظبت بر شهوات غیرمجاز را هم از دست می‌گیرد و آدمی را به ورطه سقوط در لذات حیوانی و مستی شهوات حرام می‌کشاند. بزرگ‌ترین ریاضت، دین‌داری و مطابقت کامل با خواسته‌های شرع و تبعیت از احکام آن است.^۲ مجاهدت نفس اگر بر پایه درستی انجام شود، انسان در عین سختی کشیدن، نیرومند و خرسند و مهذب می‌گردد. سخت‌گیری‌های نابجا و تحریم‌های بی‌مورد، اساس سلوک را به سردی می‌گراید و نیروی سالک را از ادامه راه می‌کاهد. ریاضتی که به پیروی از تقوا برای سالک حاصل می‌شود، جامع‌ترین و بی‌ضررترین ریاضتی است که در سلوک به آن نیازمند است؛ اما باقی ریاضت‌ها گاهی از حیطة تضمین خارج می‌شود و به دستاوردهای آن نمی‌توان اعتماد کرد (الشریف الرضی، ۱۳۷۹: ۳ / ۷۱).

۲. فراموشی لذت گناه: توصیه دانشمندان اخلاق به کسانی که می‌خواهند برای مهار شهوات و لذات

۱. «إذا صعبت عليك نفسك فاصعب لها تذلل لك»؛ «المرء حيث وضع نفسه برياضته و طاعته، فإن نزهها تنزهت و إن دنسها

تدلست»؛ «افضل الاعمال ما اكرهت النفوس عليها» (الأمدي التميمي، ۱۳۸۶: ۲ / ۴۹۷ و ۵۰۲).

۲. الشريعة رياضة النفس (الأمدي التميمي، ۱۳۸۶: ۱ / ۴۱۱).

حیوانی خود قدم بردارند، پرهیز از تحریک و هیجان دادن قوای شهوانی، و رها کردن کار و حتی اندیشه‌ای که سبب جنبش این خواهش نفسانی می‌شود است. ابوعلی مسکویه به کسی که می‌خواهد مواظب سلامتی نفس خود باشد سفارش می‌کند تا قوه شهوت و غضب خود را با یادآوری اثرات و نتایج و لذت‌هایی که از آنها عایدش می‌شود، تحریک نکند؛ بلکه آنها را رها کند تا خود به‌طور طبیعی مشغول فعالیت خود باشند؛ و همچنین کارهای این دو قوه را در ذهن خود مرور ندهد تا مبادا دل به آنها بندد و به سوی آن شهوات حرکت کند (مسکویه، ۱۳۷۱: ۱۵۷). نفس اماره دوست دارد امیال و شهواتی که در گذشته مایه سقوط آدمی بوده است را یادآوری کند و خوشی آنها را زنده نگه دارد و دوباره به انجام آنها وسوسه سازد. سالک اخلاقی می‌بایست مرور دوباره آن مشتبهات گناه‌آلود را نشانه شقاوت و سقوط بیشتر بداند و از آنها قطع علاقه نماید (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۵: ۱۴۴).

۳. فریب دادن نفس: نفس گاهی گریزپا و چموش می‌شود، به‌طوری که روش متداول خودداری و پرهیز دیگر سودی ندارد. در این صورت باز باید بر خواهش‌های نفس چیره شد و از محیط خطر و به دام افتادن گریخت، ولی با تغییر ابزار و تاکتیکی فراخور آن حالت. یکی از وسایل مقابله در این هنگام به‌کارگیری خدعه و فریب است. فریب زدن را می‌توان جزو ماهیت هر مبارزه‌ای دانست^۱ و در میدان مبارزه با نفس هم توصیه شده است.^۲ ابن‌طفیل قشیری یکی از شعرای عرب این دستور تربیتی را در یک بیت به نظم آورده و می‌گوید نفس اماره به تو دروغ می‌گوید و به کارهایی وعده می‌دهد که عمل نمی‌کند؛ پس تو هم به او دروغ بگو و وعده متابعت از او را بده و بعد خلف وعده کن. در این صورت یا بی‌تابی و ناراحتی می‌کند و یا صبر و شکیبایی می‌ورزد.^۳

۴. عقل و آگاهی: علم و تعقل انسان را بر استعدادها و قوای وجودی‌اش آگاه می‌سازد و به جای عناصر غلط و الگوهای اشتباهی که در ذهن و اندیشه او راه یافته است، فکر صحیح و اندیشه درست و اسوه‌های بجا را به وجود می‌آورد.^۴ عقل و علم، قوای مختلف و فراوان بدن را که هرکدام نفس آدمی را به سوی خود می‌کشند و سبب هرج و مرج و اضطراب نفس می‌گردند، سروسامان می‌بخشد و آنها را منظم می‌کند.^۵

۱. عن أمير المؤمنين عليه السلام: «ان الحرب خدعة» (الکینی، ۱۳۶۵: ۷ / ۴۶۰).

۲. «خادع نفسك عن العبادة و ارفق بها و خذ عفوها و نشاطها الا ما كان مكتوبا من الفريضة فإنه لابد من أداتها»؛ «خادع نفسك عن نفسك تنقد لك» (الآمدی التمیمی، ۱۳۸۶: ۲ / ۴۹۷).

۳. و قد كذبتك نفسك فاكذبها، فان جزعاً و ان اجمالاً صبر (السيوطي، ۱۳۶۳: ۲ / ۷۶).

۴. كلما زاد علم الرجل زادت عنايته بنفسه و بذل في رياضتها و صلاحها جهده (الآمدی التمیمی، ۱۳۸۶: ۴ / ۶۲۱)؛ عن أمير المؤمنين عليه السلام: «قاتل هواك بعقلك» (الکینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۲۰).

۵. العقل صاحب جيش الرحمان والهوي قائد جيش الشيطان، والنفس متجاذبة بينهما، فأيهما غلب كانت في حيزه (الآمدی التمیمی، ۱۳۸۶: ۲ / ۱۳۷).

۵. **محبت و عشق:** سالک اگر بر مرکب عشق الهی سوار شود و کامش از شهد محبت او شیرین و جانش از منبع دوستی او پُر گشته باشد، دیگر دیده سیر خواهد یافت و ترک تعلقات برایش امکان پذیر خواهد بود. همچنین آدمی وقتی فردی را برای خود، کامل تلقی می کند و شیفته اخلاق و صفات او می شود، سخت تحت تأثیر او قرار می گیرد و محبت وی در دلش جای می گیرد؛ تا عاقبت این علاقه در تمام ارکان هستی مُحبّ اثر می گذارد و او را به سوی هم‌رنگی و هم‌شکلی با محبوب وامی دارد و صفات محبوب را به خود منتقل می سازد. به همین جهت است که محبت و ولایت به پیامبر و خاندان پاکش علیهم‌السلام در دین اهمیت اساسی دارد. هر قدر این علاقه و ارادت شدیدتر باشد، در حقیقت عشق به فضایل و مکارم اخلاق بیشتر خواهد بود.^۱

۶. **بندگی و تقوا و استعانت:** مبارزه و تلاشی که به خاطر خداوند و بندهوار انجام نگیرد حتماً نتیجه آن که راهیابی به طرق نجات است به دست نمی آید. تحقق این وعده شیرین که همان هدایت به راه‌های الهی است وابسته به این است که جهاد و کوشش انسان در صفت عبودیت و بندگی انجام گیرد (عنکبوت / ۶۹). ارتباط همیشگی با خداوند بهترین وسیله برای رهایی از چنگال شیطان نفس و علاج بیماری دل است (الکینی، ۱۳۶۵: ۸ / ۷؛ ابن‌فهد الحلّی، بی تا: ۲۳۵). از نظر قرآن مجید، گرچه انسان باید خود در جهت تهذیب و تزکیه خویش گام بردارد و باطن را از آلودگی‌های رذایل و گناهان پاکیزه سازد، ولی اگر فضل و رحمت الهی شامل حال او نشود، به ضلالت و گمراهی می افتد (نور / ۲۱). ذکر و یاد خدای متعال انسان را در مجاهده با نفس و تهذیب آن کمک و کامل می کند. اینکه بنده حضور جدی خداوند متعال را نزد خود تقویت کند و یاد او را در درون خود دوام دهد، موجب اصلاح نفس و قلب و حیات دوباره و شکفتن فضایل اخلاقی است.^۲ چنانچه شرم از خداوند و خشیتی که منجر به کنترل نفس و تهذیب ظاهر و باطن می شود، از بهترین و نتیجه‌بخش‌ترین اسباب سعادت است.^۳

فرماندهی و نقشه

رسم و نقشه این عملیات چیست و از کجا طراحی و فرماندهی می شود؟ آیا طریقت آن ذوقی ترسیم می گردد یا براساس روایات و آیات و شریعت طراحی می شود؟ به عنوان نمونه سید محمدمهدی بحرالعلوم در رساله‌ای منسوب به ایشان، اولین شرط در مسیر مجاهدت نفس را ترک آداب و عادات دانسته و اینکه

۱. الهی لم یکن حول فانتقل به عن معصیتک الا فی وقت ایقظتني لمحبتک (السید ابن طاووس، ۱۴۱۴: ۳ / ۲۹۸؛ مطهری، ۱۳۸۷: ۱۶ / ۲۴۴).

۲. اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجعلنا من الذین اشتغلوا بالذکر عن الشهوات (الإمام زین العابدین علیه‌السلام، ۱۴۱۱: ۴۷۳).

۳. «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات / ۴۱ - ۴۰)؛ «ان لله عبادة من اوليائنا رسخ عظیم جلال الله في قلوبهم، و امکن الخوف من ضمائرهم و جل الحياء بين اعينهم، و اوطنت الفكرة أفندتهم» (القاضی النعمان المغربي، بی تا: ۳ / ۵۰۳).

در این ترک به سرزنش دیگران توجهی نکند (بحرالعلوم، ۱۳۷۶: ۷۶). طراحی درست نقشه عملیات جهاد با نفس اقتضا می‌کند که در بحث تهذیب و مبارزه با نفس بین عادات با آداب و اصول و افعال اخلاقی تفاوت گذاشت. اولی کلیت نداشته و مراعات آن همیشه لازم نیست. گاهی دوری گزیدن از ردایل و پاک‌سازی درون از خوی‌های ناپسند، کناره‌گیری از برخی رسومات و عادات عرفی را اقتضا می‌کند. این کار مادامی که به محیط اخلاق و آداب شرعی وارد نشود و لطمه‌ای به رعایت فضایل و مکارم نزند، رواست و در مسیر درمان باید از آن استفاده کرد؛ ولی دومی، یعنی ملاحظه اصول اخلاقی و رعایت آداب اخلاقی، پیوسته لازم، بلکه از ارکان خودسازی به حساب می‌آید. مواظبت بر خوش‌خلقی و محاسن و مکارم اخلاق، نیکی در رفتار و نرمی در گفتار و مدارای با مردم، تواضع و حیا، حوصله و سعه صدر، و احترام به دیگران، محبت و انس در محیط خانه، رعایت تقییدات شرعی متناسب با شأن و شخصیت خود در خوراک و پوشاک و مسکن و نشست و برخاستها و حفظ عزت و شرافت نفس، از جمله اموری است که مواظبت بر آنها جز مجاهدت و خودسازی، نتیجه دیگری ندارد.^۱ اینکه در برخی از توصیه‌های اخلاقی، در مقام معالجه امراض نفسانی، ارتکاب اعمال ناپسند و منافی شرف و مروّت را روا داشته و پیروی از صفات رذیله را به‌عنوان زهر و سمّی که برای درمان به مریض داده می‌شود، مباح و جایز شمرده شده است (نراقی، ۱۳۶۴: ۴۳) به نظر تمام نمی‌رسد. اصولاً درمان ردایل، راهی جز رعایت فضایل و آداب اخلاقی و شرعی، چون مواظبت بر زبان و کردار، و رعایت اعتدال و انجام عبادات و مستحبات و مانند آن ندارد. نکته دیگری که بیان آن در ادامه همین مطلب بجاست، گفتار برخی از دانشمندان دیگر است درباره ترک وظایف شرعی و فرائض و تکالیف دین، که آن را در حق برخی از عرفا نیز جایز و مباح به حساب آورده‌اند.^۲ لکن باز این سخنی تمام به نظر نمی‌رسد، و رعایت محدودیت‌ها و ضابطه‌های شرع و اخلاق از ارکان تهذیب و مبارزه با نفس به حساب می‌آید (بحرالعلوم، ۱۳۷۶: ۳۵؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۵: ۱۴۴). همچنین مجاهده با نفس امری نسبی و مشکک است که می‌بایست برای هر کسی فراخور ویژگی فردی و موقعیت اجتماعی و حالات سرکشی نفسش با راه‌های متفاوتی اجرا گردد (فراهی هروی، ۱۳۸۴: ۳۸).

زمان

این مبارزه چه مقدار طول می‌کشد و چه سال‌هایی از عمر آدمی را در بر می‌گیرد؟ آیا جنگ با نفس همیشگی و دائمی است یا مقطعی و کوتاه‌مدت؟ در این باره دو نظر مختلف وجود دارد. یکی آن را موقتی

۱. سبب تزکیة الاخلاق حُسنُ الادب (الآمدی التمیمی، ۱۳۸۶: ۴ / ۱۲۱).

۲. به عنوان نمونه ر. ک شرح مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی بر فصل ۲۶ از نمط ۹/ *شارات* شیخ ابوعلی سینا: (ابن‌سینا، ۱۳۸۳: ۴ / ۱۰۹): «رشته تسبیح از بگسست معذورم بدار، دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود» (حافظ، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

و کوتاه مدت می‌داند و استمرار جهاد با نفس را آسیب‌زننده می‌شمارد و آن را تنها معبری می‌داند برای مرحله‌ای از سلوک که باید وارد آن شد، اما نباید در آن ماند.^۱ زمان پیکار با نفس در این دیدگاه همیشه و پیوسته نیست و به اندازه درمان (ابن‌الجوزی، بی‌تا: ۸۳) و حصول نتایج زیر امدی دارد: چیرگی بر هوای نفس و استواری این قوه در وجود آدمی (الغزالی، بی‌تا: ۸ / ۱۲۴)، بازگشت از نافرمانی و اطاعت‌پذیری (المحمودی، ۱۴۱۸: ۱ / ۳۴۷)، تهذیب نفس و تحصیل اخلاق نیکو و ملکه شدن صفات خوب (الطباطبایی، ۱۳۷۱: ۱ / ۳۵۴)، رام شدن نفس و ورود به بهشت دنیایی (سروش، ۱۳۸۷: ۱ / ۳۴۱)، کسب محبت الهی و اختلاط با پاکان (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۳۳)، و الهی شدن روح (الغزالی، ۱۹۹۵: ۷۵). در این صورت ممکن است بیشتر اوقات مبارزه ادامه یابد (الآملی، ۱۳۶۱: ۴ / ۲۹۷)، ولی همه زمان‌ها را در بر نمی‌گیرد؛ چون اولاً سخت‌گیری و پیکار دائمی می‌تواند نتیجه عکس داشته باشد،^۲ و ثانیاً کشمکش و نزاع دائمی دیگر فرصتی برای آرامش درونی باقی نمی‌گذارد (سروش، ۱۳۷۱: ۲۲۳). در مقابل برخی صلح میان انسان و نفسش را غیرممکن و جدال درونی با نفس را همیشگی و دائمی می‌دانند، که هر کدام از عالمی جدا بوده و همیشه با هم در تنازع هستند.^۳ این دیدگاه مبارزه را در همه وقت (القشیری، ۱۴۲۸: ۲ / ۳۳۳؛ غزالی، ۱۳۹۰: ۲۶؛ نراقی، ۱۳۶۴: ۷۰۳) و پایان آن را انتهای عمر آدمی می‌داند (الغزالی، بی‌تا: ۸ / ۱۲۴؛ زینی دحلان، بی‌تا: ۴۱۰)؛ چون اولاً حکم تکلیف تا پایان عمر ادامه دارد (ابن‌عربی، ۱۴۳۱: ۴ / ۷۹)، ثانیاً کید و وسوسه شیطان دائمی و لغزش نفس نیز سریع است (اعراف / ۱۷۵) و ثالثاً اخلاق پاکیزه باید پیوسته در حال رسوخ و لذت عبادت در حال افزایش باشد و این جز با دوام جهاد امکان‌پذیر نیست (الفیض الکاشانی، ۱۴۲۷: ۵۸).

نتیجه

واژه «جهاد با نفس» عنوان و اصطلاح بسته‌ای است که نیازمند نوعی کالبدشکافی و تشریح می‌باشد. با نگاهی به متون دینی و کلمات اندیشمندان مسلمان اجزای این عملیات را می‌توان در اموری مانند هدف،

۱. ان نفسک مطیتک ان اجهدتها قتلتها و ان رفعت بها ابقیتها (الآمدی التمیمی، ۱۳۸۶: ۲ / ۴۹۷).

۲. «إذا رغبت في صلاح نفسك فعليك بالاعتقاد» (الآمدی التمیمی، ۱۳۸۶: ۲ / ۴۹۷)؛ «الْكَثْرُ يُزِلُّ الْحَكِيمَ وَ يُمِيلُ الْحَكِيمَ فَلَا تُكْثِرْ فَتَضْجِرْ وَلَا تُقَرِّطْ فَتُهَنْ» (اللیثی الواسطی، ۱۳۷۶: ۶۰).

۳. «ملکوا انفسکم بدوام جهادها»؛ «ان المؤمن لا یسی و لا یصبح الا و نفسه ظنون عنده، فلا یزال زاریا علیها و مستزیدا لها»؛ «ان النفس لامارة بالسوء و الفحشاء فمن ائتمنها خانتها، و من استنام اليها اهلکتها و من رضي عنها اوردته شر الموارد»؛ «نفسک عدو محارب و ضد موائب ان غفلت عنها قتلک»؛ «لا تترك الاجتهاد في اصلاح نفسك فانه لا یعینک الا الجهد»؛ «ینبغی للعاقل أن لا یخلو فی کلّ حالة عن طاعة ربّه و مجاهدة نفسه» (الآمدی التمیمی، ۱۳۸۶: ۲ / ۲۴۰ و ۵۱۴ - ۴۸۸)؛ «ولا ترخصوا لأنفسکم فتدھنوا، ولا تدھنوا فی الحق فتخسروا» (الکینی، ۱۳۶۵: ۱: ۴۵).

دشمن، اهمیت، آثار و نتایج، سلاح، فرماندهی و نقشه، و زمان مورد بررسی قرار داد و با کالبدشکافی ساختار آن، قسمت‌های مختلف مبارزه با نفس و ارتباط ساختمانی آنها با یکدیگر را مورد مطالعه قرار داد. میراندن نفس هدف هوشمندانه‌ای برای جهاد با نفس نیست، بلکه اصلاح و مدیریت آن در راستای فرمان عقل و دین را می‌توان به‌عنوان هدف درست ملاحظه کرد. دشمن در این مبارزه آن جنبه از بعد حیوانی نفس است که در قالب شهوت و لذت و میل‌های مذموم سبب سقوط آدمی می‌گردد. جهاد با نفس از اهمیتی والاتر از جهاد بیرونی برخوردار بوده و بهای بهشت و سعادت واقعی به حساب می‌آید. توانمندی نسبت به چیرگی بر نفس و آزادی از اسارت هوی و رشد و بصیرت‌دهی از نتایج این عملیات است. شایسته‌ترین ابزار مبارزه آن دسته از اموری است که معقول و با اسلام ناب همگون باشد؛ مانند عقل و تقوا و محبت و نه صرف سختی و ریاضت. رسم و نقشه این پیکار براساس آیات و روایات و با ملاحظه اصول و آداب اخلاقی و به‌گونه مشکک و نسبی ترسیم می‌شود. چنان‌که درباره زمان این مبارزه هم میان همیشگی و پیوسته یا مقطعی و موقت بودن اختلاف نظر وجود دارد؛ هرچند بیشتر آن را همیشگی و مستمر و مادام‌العمر می‌دانند. در یک پیشنهاد می‌توان گفت کالبدشکافی ساختار جهاد با نفس می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای بررسی بیشتر درستی یا نادرستی کاربرد این واژه، و شناخت آسیب‌ها و آفت‌هایی که ممکن است در انتساب این مفهوم به دین وجود داشته باشد. همچنین بررسی تاریخ ورود این واژه به حوزه روایات و عقبه آن در پیشینه متون صوفیان، و نیز افزودن جزئی دیگر تحت عنوان «آموزش و آمادگی»، با معرفی مؤلفه‌هایی چون: تفکر، عزم، مشارطه، مراقبه، محاسبه، تذکر و مانند آن در تکمیل موضوع فوق سودمند به نظر می‌رسد.

منابع و مأخذ

- نهج البلاغه (۱۳۷۹). شریف رضی. محمد بن الحسین. ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام. تهران: فقیه.
- آملی، حیدر بن علی (۱۳۶۱). *أسرار الشريعة و أطوار الطريقة و أنوار الحقيقة*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- آمدی التمیمی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۶). *نور الحکم و درر الکلم*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ابن‌ابی‌فراس، ورام (۱۳۶۸). *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن‌الأثیر، مبارک بن محمد (۱۴۲۰). *النهاية في غريب الحديث و الأثر*. بیروت: المكتبة العصرية.
- ابن‌الجوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲). *صید الخاطر*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

- ابن سینا، حسین (۱۳۸۳). *الإشارات و التنبيهات*. قم: بلاغت.
- ابن طاووس، علی (۱۴۱۴). *إقبال الأعمال*. تحقیق جواد القیومی الإصفهانی. قم: مکتب الأعلام الإسلامی.
- ابن عربی، محمد محیی‌الدین (۱۴۳۱). *الفتوحات المکیة فی معرفة الأسرار المالکیة و المالکیة*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن فارس، احمد (۱۳۹۰). *ترتیب مقایس اللغة (معجم مقایس اللغة)*. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. قم: مرکز دراسات الحوزة و الجامعة.
- ابن فهد الحلی، احمد (بی تا). *عدة الداعی ونجاح الساعی*. قم: مکتبة وجدانی.
- ارسطو (۱۳۸۶). *اخلاق نیکوماخوس*. ترجمه صلاح‌الدین سلجوقی. تهران: عرفان.
- افلاطون (آریستوکلس) (۱۳۸۰). *دوره آثار افلاطون*. ترجمه محمدحسن لطفی و رضا کاویانی. تهران: خوارزمی.
- امینی، ابراهیم (۱۳۹۴). *جهاد با نفس مهم‌ترین جهاد فراموش شده*. قم: بوستان کتاب.
- بحر العلوم (المنسوب)، محمد مهدی (۱۳۷۶). *رسالة فی السیر و السلوک*. تهران: امیر کبیر.
- بهاری همدانی، محمد (۱۳۷۶). *تذكرة المتقین در آداب سیر و سلوک*. قم: نهاوندی.
- بیهقی، أحمد بن الحسین (۱۴۰۵). *دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بیهقی، أحمد بن الحسین (۱۴۱۰). *شعب الإیمان*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- پارکر، استیو (۱۳۹۵). *فرهنگ‌نامه بدن انسان: راهنمای مصور ساختمان، کارکرد و بیماری‌های بدن انسان*. ترجمه احمد مختاریان. تحقیق علی محمدشاهی. تهران: طلایی.
- الجزائری، نعمة‌الله (۱۳۶۷). *فروق اللغات فی التمییز بین مفاد الکلمات*. تهران: دفتر نشر معارف اسلامی.
- الجوهری، إسماعیل (۱۴۳۰). *الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حافظ شیرازی، محمد شمس‌الدین (۱۳۸۷). *دیوان حافظ*. تحقیق محمد قدسی. تهران: چشمه.
- حر عاملی، محمد (۱۴۰۹). *وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل‌البتیة لإحياء التراث.
- حرانی، حسن بن شعبة (۱۴۲۳). *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- حسن‌زاده آملی، حسن (بی تا). *نصوص الحکم بر فصوص الحکم*. تهران: رجاء.
- الحیدری، کمال (۱۴۲۶). *التربیة الروحیة (بحوث فی جهاد النفس)*. قم: دار فراقده.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۵). *شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۷). *جهاد اکبر یا مبارزه با نفس*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- الدیلمی، حسن (۱۴۱۳). *إرشاد القلوب*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۹۲). *آنا تومی جامعه*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زینی دحلان، احمد (بی تا). *سراج الطالبین*. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۷). *حکمت و معیشت (شرح نامه حضرت امیر علیه السلام به امام حسن علیه السلام)*. تهران: صراط.
- سمعانی (۱۴۱۸). *تفسیر السمعانی*. الرياض: دار الوطن.
- السیوطی، جلال‌الدین (۱۳۶۳). *البهجة المرضیة*. قم: مکتبه المفید و الفیروز آبادی.
- الصدوق، محمد (۱۴۱۰). *معانی الأخبار*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۱). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: اسماعیلیان.
- طوسی خواجه نصیرالدین، محمد (۱۳۸۷). *اخلاق ناصری*. تهران: خوارزمی.
- غزالی، محمد (۱۳۹۰). *مکاشفة القلوب*. تهران: جامی.
- غزالی، محمد (۱۹۹۵). *میزان العمل*. بیروت: دار مکتبه الهلال.
- غزالی، محمد (بی تا). *إحیاء علوم الدین*. بیروت: دار الکتب العربی.
- فراهی هروی، معین‌الدین (۱۳۸۴). *حدائق الحقائق*. تهران: داشگاه تهران.
- الفراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۱۴). *ترتیب کتاب العین*. تهران: اسوه.
- فیض الکاشانی، محسن (۱۴۱۶). *التفسیر الصافی*. طهران: مکتبه الصدر.
- فیض الکاشانی، محسن (۱۴۲۷). *الحقائق*. قم: دار الکتب الإسلامی.
- قاضی مغربی، نعمان (بی تا). *شرح الأخبار*. تحقیق: محمد الحسینی الجلالی. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- قشیری، عبد‌الکریم بن هوازن (۱۴۲۸). *تفسیر القشیری المسمی لطائف الإشارات*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*. طهران: دار الکتب الإسلامیة.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم والمواعظ*. قم: دار الحدیث.
- ماوردی، علی (۱۴۰۴). *أدب الدنیا و الدین*. قم: ارومیه.
- محمودی، محمدباقر (۱۴۱۸). *نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۳۶۱). *صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

- مسکویه، أحمد (۱۳۷۱). تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق. قم: بیدار.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). مجموعه آثار. قم: صدرا.
- مظاهری، حسین (۱۳۶۹). جهاد با نفس (سلسله درس‌های اخلاق). قم: انجمن اسلامی معلمان قم.
- منسوب للإمام الصادق علیه السلام (۱۳۶۰). مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة. تحقیق و ترجمه: حسن مصطفوی. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- المنسوب للإمام زین العابدین علیه السلام (۱۴۱۱). الصحیفة السجادیة. قم: مؤسسة الإمام المهدي علیه السلام.
- موسوی بجنوردی، محمد کاظم (۱۳۸۳). دایرة المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- مولوی، محمد جلال‌الدین (۱۳۶۰). مثنوی معنوی. تهران: مولی.
- نراقی، احمد (۱۳۶۴). معراج السعاده. تهران: کانون انتشارات علمی.
- هدایتی، محمد (۱۳۸۶). تهذیب اخلاق. قم: خلق.
- هدایتی، محمد (۱۳۹۷). عقلائیة در فقه و اخلاق. قم: صدف یاب.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی